

اتلاف طیف‌های مختلف از مسببان وضع موجود خیلی زود عملیات علیه منافع ملی را شروع کرد

اتاق جنگ علیه دولت

دستاوردهای دولت رئیسی در این حوزه است. نتیجه زیرسوال بردن دستاوردها و اقدامات دولت سیزدهم هم ایجاد حس ناامیدی در جامعه نسبت به آینده خواهد بود که به‌نظر می‌رسد تنها امید حامیان روحانی برای بازگشت به عرصه قدرت نیز غلبه پیدا کردن این حس ناامیدی در میان مردم نسبت به عملکرد دولت مستقر است.

چرا اصلاحات در موقعیت جنگ نیست

اصلاح طلبان که برای حفظ سرمایه اجتماعی خود در زمان ریاست جمهوری روحانی رویکرد عبور از او، روحانی را رئیس جمهوری بودند و برای فاصله گرفتن از او، روحانی را رئیس جمهوری غیراصلاح‌طلب می‌خواندند در رویکردی متناقض با سیاست پیشین خود در دوران پساانتخاباتی، پروتکل‌های پارگیری خود را برای آغاز جنگ علیه دولت طوری تعیین کرده‌اند که می‌توانند چهره‌هایی همچون ناطق، روحانی و خاتمی را با هم بپذیرند. سیاست متناقض اصلاح‌طلبان در تعامل با دولت روحانی اما پاشنه آشیلی برای کنش جنگ‌طلبانه اصلاح طلبان است؛ چراکه اصلاح طلبان در شرایط فعلی نیز با چالش سرمایه اجتماعی مواجهند و حافظه تاریخی مردم نیز آنقدر ضعیف نیست که دوران ۸ساله دولت روحانی را که هنوز چندماه نیست به پایان نرسیده، فراموش کرده باشند. مدیریت نامطلوب دولت روحانی در کلان مسائل کشور گزاره ناکارآمدی این دولت را آنقدر در ذهن مردم پررنگ کرده است که این اجازه را به اصلاح طلبان نمی‌دهد در بازه‌ای چندماهه نقش منتقد و مطالبه‌گر را به‌خود بگیرند.

اصلاح طلبان که با دوقطبی‌سازی حول منافع ملی، سیاست خارجه و مذاکره با آمریکا را به‌عنوان برگ‌برنده پیروزی خود در انتخابات ۹۲ انتخاب کردند، سال ۹۶ نیز با تکرار حمایت خود که خاتمی رسماً آن را اعلام کرد سرمایه اجتماعی خود را برای پیروزی در انتخابات دراختیار روحانی قرار داده و بیشترین چسبندگی را با دولت روحانی ایجاد کردند؛ چسبندگی‌ای که جلسات اخیر این طیف با حضور روحانی آن را تشدید کرده است. روحانی اما با بدترین شیوه ممکن با این سرمایه اجتماعی برخورد کرد و آن را سوزاند.

روحانی با محور قرار دادن سیاست خارجه و محدود کردن سیاست خارجه به مذاکره با آمریکا، جزئی‌ترین مسائل کشور را نیز معطل به نتیجه رسیدن برجام قرار داد. درنتیجه با شکست برجام روحانی نتوانست ایده جدیدی برای مدیریت کلان مسائل کشور ارائه دهد و درنتیجه در میدان‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با بحران مواجه شد. افزایش حدود ۱۰۰۰ درصدی قیمت دلار تا سال ۹۹ و به تبع آن ایجاد تورم در قیمت سایر کالاها، بروز چندین بحران اجتماعی ازجمله اعتراضات مردمی آبان ۹۸ را وکنش به افزایش یکباره قیمت بنزین، ناتوانی در تامین واکسن و بالا رفتن آمار فوتی‌های ناشی از کرونا تا ۷۰۰فتر برخی از نمونه‌های سوءمدیریت در دولت روحانی است که ترمیم آن را به‌طور مستقیم در زندگی خود احساس کردند.

ناتوانی در مدیریت بحران زمانی که با بهانه‌جویی‌هایی همچون تحریم و عدم پیوستن ایران به FATF از جانب دولتمردان و نیز برخی اصلاح‌طلبان پاسخ داده می‌شد، این گزاره را که دولت اصلاح‌طلب روحانی ایده جایگزینی برای مدیریت کشور ندارد در ذهن مردم تشدید کرده و بر موج ناامیدی مردم از آنها می‌افزود.

نکته دیگری که مانع بهره‌برداری اصلاح طلبان از ایجاد جنگ روانی علیه دولت می‌شود این است که آنچه آنها برای تخریب انتخاب کرده‌اند اتفاقاً نقاط قوت دولت سیزدهم است.

مورد انتقاد شدید قراردادن بازیدیه‌های میدانی رئیسی و کاریکاتور کشیدن درمورد آن درحالی که این بازیدیه‌ها با وکنش‌های مثبت مردم مواجه شده و سرمایه اجتماعی رئیسی را افزایش داده‌است، خیلی نمی‌تواند دستاوردی برای اصلاح‌طلبان فراهم کند، آن‌هم در شرایطی که تصاویر رئیس‌جمهور منتخب اصلاحات یعنی روحانی به‌جای حضور در میدان، در تفریحات زمستانی منتشر می‌شد و اخیر سفرهای توریستی او به جزایر جنوبی در بجموحه بحران سیل در کشور بازنشر می‌شد.

اصلاح طلبان که جهان را صرفاً در غرب خلاصه کرده بودند و دستاوردی از این نگاه نداشتند، همچنین درحالی رویکرد نگاه به شرق دولت سیزدهم را زیرسوال می‌برند که این دولت توانسته دستاوردهای خوبی از این رویکرد کسب کند. پیوستن به اجلاس شانگهای و گسترش روابط تجاری با کشورهای شرقی ازجمله چین تأثیر مثبتی بر اقتصاد کشور داشته، توانسته میزان درآمد‌های نفتی ایران را افزایش دهد. در مذاکرات وین نیز ایران توانسته با جهت دادن به مسیر مذاکرات مطالبات بحق ایران در حوزه رفع تحریم و ارائه تضمین را به‌محور مذاکرات تبدیل کند. این درحالی است که مذاکرات برجامی در دوره روحانی صرفاً فعالیت‌های هسته‌ای ایران را اصل قرار داده بود و درمقابل بدعهدی سایر طرف‌ها، عامل بازدارنده قوی‌ای را پیش‌بینی نکرده بود. درنهایت خروج ترامپ از برجام، وهن بودن گزاره‌هایی همچون «امضای کری تضمین است» را به اثبات رساند.

عملکرد قابل قبول دولت سیزدهم در چندماهه ابتدایی آغاز به کار خود از یک سو و سوءمدیریت دولت روحانی در طرف مقابل باعث شده اصلاح طلبان که چسبندگی کامل با دولت‌های یازدهم و دوازدهم دارند، نتوانند برگ‌برنده‌ای برای تقابل با دولت بیابند.



پنج‌ماهه فعالیت‌های دولت سیزدهم، بدون آنکه تحریم‌های آمریکا کم‌تر شود، لوایح سازمان اف‌ای تی‌اف پذیرفته شود یا مذاکرات وین به نتیجه‌نهایی برسد، شاهد افزایش سطوح تبادلات و یانقشه‌راه‌های عملیاتی جهت افزایش سطوح ارتباطات میان ایران و کشورهای همسایه بوده‌ایم. علاوه‌بر این در همان هفته‌های ابتدایی آغاز به کار دولت رئیسی بود که بعد از ایجاد ارتباطاتی میان ایران و کشورهای آسیایی که نشان از تغییر رویکرد جدی دولت سیزدهم در سیاست خارجی بود، شاهد پذیرش درخواست عضویت کامل جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای؛ با موافقت اعضای این سازمان بودیم؛ اتفاقی که با عملیات گسترده رسانه‌های اصلاح‌طلب برای ثبت این دستاورد به نام دولت روحانی همراه بود. رسانه‌هایی که پیش از آن و در دولت دوازدهم، مانع اصلی پذیرش عضویت کامل ایران در این سازمان را مسائلی ازجمله تصویب نشدن لوایح سازمان اف‌ای تی‌اف می‌دانستند. مورد دیگری که رسانه‌های حامی رویکردهای دولت حسن روحانی در سیاست خارجی در آن عملیات‌های مشترک و متعددی داشتند، درباره افزایش سطح ارتباطات ایران با چین و روسیه بود. در این مورد برخلاف موضوع اجلاس شانگهای که بخش اعظم فعالیت‌های تخریبی از سوی رسانه‌ها مشاهده می‌شد، شاهد فعالیت‌های واضح، پررنگ و متعدد چهره‌های اصلاح‌طلب حامی دولت روحانی بودیم. فعالیت‌هایی که وجه تخریبی و رویکرد کنایه‌محورشان به‌صورت آشکاری بر وجه دلسوزانه و منطقی آن غالب بود. قصد

ایران برای افزایش سطوح تبادلات اقتصادی با روسیه و چین خود را در آغاز عملیاتی شدن سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در سفر وزیر امور خارجه به این کشور، و تفاهات صورت گرفته میان رئیسی و پوتین در سفر مهم رئیس‌جمهورمان به روسیه نشان داد. تفاهاتی که یکی از آنها، تسریع فرایند تکمیل راهگذر شمال- جنوب بود که درصورت تکمیل، به یکی از تاریخی‌ترین دستاوردها در روابط میان ایران و روسیه تبدیل خواهد شد. چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب به‌قدری در حمله به سفر مهم رئیسی به مسکو فعالیت رسانه‌ای داشتند که گویی مواردی ازجمله چیدمان سالن استقبال و نحوه نشستن رئیس‌جمهور روسیه برایشان اصل است تا مواردی که در دیدار سه‌ساعته میان روسای جمهور دو کشور درباره لزوم افزایش تبادلات تجاری دو کشور مطرح شد. همه اینها نشان از آن دارد که درحال حاضر جدی‌ترین هدف اتاق فکر حامیان روحانی، زیرسوال بردن

الف. حمله به سفرهای استانی با نمایشی عنوان کردن رویکردهای مردمی

باگذشت کم‌تر از ۶ ماه از آغاز به کار دولت سیزدهم به ریاست سیدابراهیم رئیسی، تغییر رویکرد دولت در بسیاری از حوزه‌های حکمرانی، جدی و غیرقابل چشم‌پوشی بوده است. یکی از جدی‌ترین تغییر رویکردها، ایجاد تحول در نحوه تعامل مردم و اعضای هیات دولت است که نمونه آن را در سفرهای استانی رئیس‌جمهور، وزرا و معاونان شان به نقاط مختلف ایران شاهد هستیم. تغییر رویکردی که به‌دنبال خود، عمق کم‌توجهی دولت قبل نسبت به این ظرفیت اجتماعی را نشان می‌دهد. در این موقعیت، حامیان دولت قبل، با عملیات‌های رسانه‌ای جسته‌وگریخته‌شان در این حدود ۶ ماهی که سفرها در جریان است، سعی داشته‌اند دستاورد این ارتباط مستقیم اعضای دولت با مردم را کم‌اهمیت و سفرهای استانی را نمایشی جلوه دهند. شاهد مثال غلط بودن محاسبات حامیان روحانی، ۱۶ برابر شدن حجم نامه‌های مردمی تحویل شده به دولت در این سفرهاست که هم‌زمان با اینکه نشان‌دهنده حجم زیاد مشکلات معیشتی مردم این مناطق است، نشان از امیدوارتر شدن جامعه نسبت به شنیده شدن صدایشان توسط مسئولان دولت سیزدهم دارد.

ب. عملیات رسانه‌ای ایجاد تشکیک در دستاوردهای عرصه دیپلماسی

از دیگر حوزه‌هایی که رسانه‌های حامی سیاست‌های دولت روحانی به‌طور جدی در آن فعالیت مطالبه‌گرانه و نقادانه دارند، حوزه سیاست خارجی است. جایی که دولت رئیسی، سیاست‌های خود را متفاوت از دولت قبل اعلام کرده است که محورهای آن «توجه بیش ازپیش به ظرفیت کشورهای همسایه در کم‌اکرکردن تحریم‌ها»، «فعال کردن ظرفیت‌های تعامل با شرق» و «حذف تمرکز» هستند که پیش از آن بر مذاکره با غرب بر سر مسائل هسته‌ای ایران وجود داشت. درباره ایده توجه بیش ازپیش به کشورهای همسایه که یکی از موارد مورد تأکید منتقدان سیاست‌های دولت روحانی در سیاست خارجی بوده است، همواره شاهد بهانه‌هایی بوده‌ایم که کم‌کاری‌های موجود در این حوزه را تماماً متوجه آثار تحریم‌های آمریکا، اجرایی نکردن لوایح سازمان FATF توسط ایران و به‌نتیجه نرسیدن برجام می‌دانستند. درصورتی که در مدت حدودا

علاوه‌بر این مورد، حضور رئیس‌جمهور و سایر اعضای کابینه در میان مردم و شنیدن مستقیم و بدون واسطه مطالبات مردم توسط آنها، به‌ویژه پس از بحران‌های مختلف مانند سیل استان کرمان، زلزله اندیکا و... باعث شده است تا حد قابل قبولی تصویری مطلوب از دولت رئیسی در بین افکار عمومی جامعه شکل بگیرد که خود این موضوع بزرگ‌ترین دستاورد دولت سیزدهم تا به الان بوده است. با توجه به مواردی که ذکر کردیم عملاً تا به این‌جا اصلاح طلبان برای احیای چهره خود در جامعه، نمی‌توانند روی شکست ایده‌های حکمرانی دولت رئیسی حساب باز کنند، مگر اینکه دستاوردهای چندماه اخیر دولت سیزدهم به‌وسیله رسانه‌ها با تخریب و وارونه‌نمایی در بین افکار عمومی جامعه خدشه‌دار شود. تخریب دستاوردهای دولت دقیقاً همان چیزی است که ما طی این مدت در میان چهره‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب شاهدش بوده‌ایم که در ادامه به بررسی دقیق‌تر این خط تخریبی خواهیم پرداخت.

فرمان اول، تخریب دولت رئیسی با حمله به دستاوردها

به‌نظر می‌رسد یکی از دم‌دستی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین اقدامات این جمع احتمالاً موسوم به «دولت در سایه»، زیرسوال بردن یا حمله به دستاوردهای دولت سیزدهم باشد؛ روشی که برای بازگشت دوباره به عرصه سیاست ایران شاید بی‌دردسرترین راه پیش‌روی این افراد محسوب شود. برای برداشتن نخستین گام در این راه نیز لازم نیست به‌صورت شفاف و با پذیرش مسئولیت حمله، اقدام کرد. کافی است رسانه‌های همسو که وفاداری خود را درطول هشت سال مدیریت ناکارآمد دولت‌های یازدهم و دوازدهم بر کشور ثابت کرده‌اند، شروع کنند باشند؛ شروع کننده فرایندی که با زیرسوال بردن اقداماتی ازجمله سفرهای متعدد استانی کابینه، گفت‌وگوی بی‌واسطه چندباره مسئولان دولتی با مردم، تغییر رویکردهای جدی در سیاست خارجه ازجمله برداشته شدن تمرکز دستگاه دیپلماسی از مذاکرات هسته‌ای و افزایش سطح ارتباطات با شرق، می‌تواند به جلوگیری از افزایش اقبال عمومی درنتیجه عملکرد رئیسی و کابینه دولت سیزدهم، امیدوار باشد. در ساده به‌نظر رسیدن عملیاتی کردن این روش شکی نیست اما زمان آغاز درپیش گرفتن روش مورد اشاره است که وجه تمایزی میان افراد باتجربه و ناپخته در سیاست‌ورزی خواهد بود.

با برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم و مجلس یازدهم در دو سال گذشته عملاً اصلاح طلبان بسیاری کرسی‌های سیاسی خود در حاکمیت را از دست داده‌اند و این روزها کاملاً خانه‌نشین شده‌اند. شکست اصلاح طلبان در انتخابات‌های اخیر و عدم حضور آنها در دولت و مجلس باعث شده است، سران این جناح سیاسی به فکر بازسازی تشکیلاتی خود و تلاش برای بازگشت به قدرت باشند. بر همین مبنا در ماه گذشته شاهد انتشار خبرهایی پیرامون برگزاری جلسات مختلف میان سیدمحمد خاتمی، حسن روحانی، سیدحسن خمینی و علی اکبر ناطق‌نوری با یکدیگر بوده‌ایم.

برای پیگیری صحت و سقم این اخبار ماه گذشته در شماره ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۰ «فرهیختگان» گفت‌وگویی داشتیم با جواد امام، مدیرعامل بنیاد باران و از چهره‌های نزدیک به خاتمی. امام در این مصاحبه اظهار داشت، جلسات برگزار شده با حضور این افراد تشکیلاتی نیست و در آنها هیچ صحبتی درمورد انتخابات‌های آینده و... صورت نگرفته است، چندی بعد نیز کامبیز مهدی‌زاده داماد روحانی در مصاحبه‌ای ضمن تأیید اصل برگزاری جلسات گفت، جلسه میان ناطق‌نوری، خاتمی وسیدحسن خمینی وروحانی با دعوت حسن خمینی برگزار شده است. مهدی‌زاده همچنین اظهار داشت این جلسه از قبل برنامه‌ریزی شده نبود، چون این گونه دیدارها بین افراد روتین و عادی است.

اما در نقطه مقابل اظهارات فوق سخنان محمود علیزاده طباطبایی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، نشان می‌دهد جلسات برگزارشده میان روسای‌جمهور سابق و اسبق کشور با رئیس مجلس پنجم و سایر چهره‌های اصلاح‌طلب صرفاً یک «دیدار روتین و عادی» و «غیرتشکیلاتی» نبوده است و در آن موضوعات مهم‌تری مورد بحث طرفین قرار گرفته است. در همین راستا علیزاده طباطبایی در مصاحبه اخیر خود ضمن اشاره به دیدارهای مشترک برگزار شده، خبر از تلاش اصلاح طلبان برای تشکیل دولت در سایه داد. علیزاده طباطبایی هدف از تشکیل دولت در سایه را تلاش اصلاح طلبان برای گرفتن قدرت از دست گروهی که بر سر کار است، عنوان کرد و افزود که سران اصلاحات می‌خواهند جمهوریت نظام را احیا کنند. آنطور که از صحبت‌های علیزاده طباطبایی و سایر کنشگران اصلاح‌طلب قابل استنباط است، به‌نظر می‌رسد این جلسات همچنان ادامه‌دار خواهد بود. در ادامه گزارش امروز «فرهیختگان» مواضع غیرمنطقی اصلاح طلبان در تخریب عملکرد دولت سیزدهم را مورد بررسی قرار داده و چرایی چنین کنش رادیکالی را پاسخ خواهیم داد.

به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین اهداف جلسات برگزارشده میان خاتمی، روحانی، ناطق‌نوری و سیدحسن خمینی، بازسازی احزاب اصلاح‌طلب و تلاش برای پیروزی نمایندگان این جناح سیاسی در انتخابات‌های مهم پیش‌رو باشد. اما رسیدن به این اهداف برای اصلاح طلبان در شرایط کنونی کاری بسیار سخت و تقریباً ناشدنی است، زیرا در سالیان گذشته به‌دلیل عملکرد نامناسب نمایندگان آنها در دولت روحانی و مجلس دهم سرمایه اجتماعی این جناح سیاسی به‌طرز چشم‌گیری کاهش پیدا کرده است و به‌دلیل همین کاهش سرمایه نیز در انتخابات‌های اخیر ریاست‌جمهوری سیزدهم و مجلس دهم، اصلاح طلبان نتوانستند پیروز انتخابات باشند تا در عرض کمتر از دو سال اکثر کرسی‌های خود در نهادهای انتخابی حاکمیت را از دست دهند، اگرچه برخی از چهره‌های رادیکال اصلاح‌طلب درصلاحت‌های گسترده شورای نگهبان را عامل اصلی عدم حضور چهره‌های اصلاح‌طلب در نهادهای انتخابی حاکمیت می‌دانند، اما به‌نظر می‌رسد برخلاف چنین گزاره‌ای حتی اگر اصلاح طلبان با تمامی گزینه‌های خود در انتخابات شرکت می‌کردند باز هم آنها نمی‌توانستند اعتماد عمومی مردم را جلب کنند.

در تأیید این مساله می‌توان به انتخابات ششمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا اشاره کرد، در بررسی صلاحیت کاندیداهای این انتخابات، نظارت استصوابی شورای نگهبان هیچ نقشی نداشت و اصلاح طلبان نیز در تهران و برخی دیگر از شهرهای بزرگ لیست ارائه دادند، اما در نهایت بعد از برگزاری انتخابات لیست اصلاح طلبان به‌طور کامل شکست خورد در این دوره حتی چهره‌هایی مانند مجید فرهانی، الهام فخاری، محمد سالاری، افشین حبیب‌زاده، علی اعطا و محمد علیخانی که پیش از این نیز چهارسال قبل با رای مردم وارد دوره پنجم شورای اسلامی شهر تهران شده بودند، در انتخابات شورای شهر ششم هیچ کدام نتوانستند حتی به میزان نیمی از آرای دوره قبل خود، رای کسب کنند. با توجه به موارد گفته‌شده در چنین شرایطی که اصلاح طلبان با بحران بزرگ از دست رفتن سرمایه اجتماعی روبه‌رو هستند، آنها برای احیای این سرمایه در کوتاه‌مدت بیش از هر پرامتری روی شکست ایده‌های حکمرانی دولت رئیسی در بین اذهان عمومی جامعه حساب باز کرده‌اند، چون تنها در این صورت است که آنها می‌توانند به بازگشت در قدرت امیدوار باشند، اصلاح طلبان تا به این جای کار زیاد نمی‌توانند بر شکست ایده‌های حکمرانی دولت رئیسی حساب باز کنند، زیرا بنابر آمارهای موجود و نظر کارشناسان مختلف، عملکرد دولت سیزدهم در بسیاری از ابعاد سیاست داخلی و سیاست خارجه از عملکرد چند ماه آخر دولت روحانی موفق‌تر بوده است،